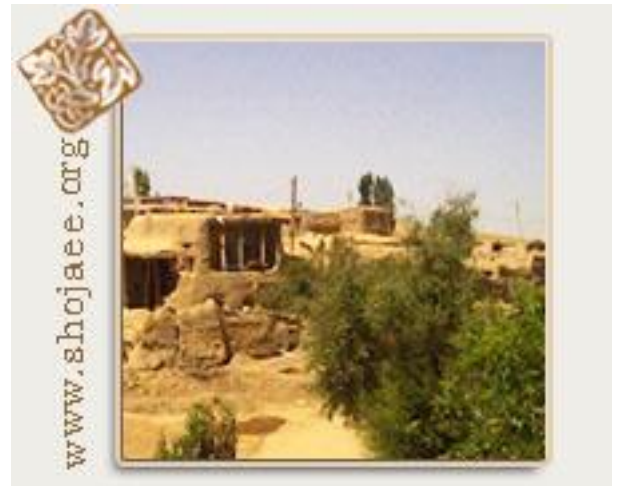
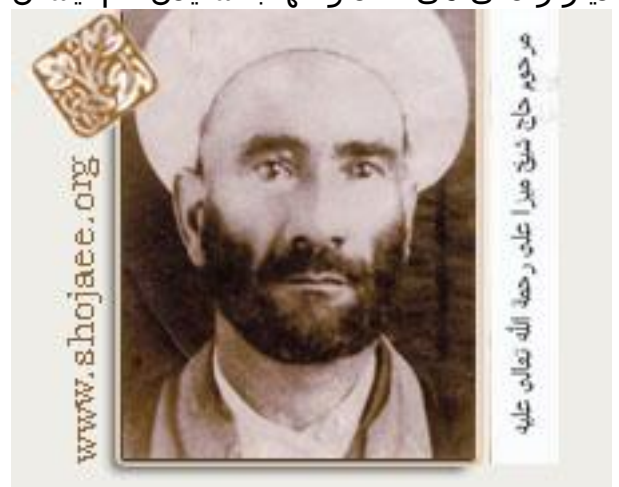


بسم الله الرحمن الرحيم



حضرت آیت الله محمد شجاعی در شهریور 1320 هجری شمسی در یکی از توابع شهر زنجان در خانواده روحانی متولد شدند. پدر ایشان که به حاج شیخ میرزا علی (ره) معروف بود، یکی از روحانیون معتبر و مورد وثوق مردم بودند و در زهد و تقوی و طهارت و سادگی کم نظیر و در حسن خلق و صبوری بی بدیل.

زندگی ایشان توأماً در راه تبلیغ قرآن و شریعت و ترویج مبانی دینی می گذشت که بطور پیوسته در مناطق محروم و روستاهای اطراف که نیازهای بیشتری احساس می شد، حاضر می شدند و با زبان ساده و گویایی به انجام وظیفه می پرداختند. سخنان و وعظ حاج میرزا علی بسیار در مردم تأثیرگذار بوده که حکایت از التزام عملی به شریعت و ظهور و بروز آن در رفتار و کردار ایشان داشت. گواه این سخن، شهادت پیرمردانی است که هنوز در آن دیار زندگی می کنند و تنها با شنیدن نام ایشان لب به سخن می گشایند.



حاج شیخ میرزا علی در یکی از سفرهایی که برای تبلیغ و ترویج دین حق انجام می شد به سال 1346 هجری شمسی به حق پیوستند و در جوار رحمت رحمانی جای گرفتند رحمة الله تعالی علیه. حاج میرزا علی صاحب اولاد متعددی شدند، ولی فقط یکی از آنها باقی ماند، تا میراث دار طهارت و پاکی پدر و باقی دین حق و معارف ربوبی گشته و ادامه دهنده اکمل اجداد خود گردد.

حضرت آیت الله استاد محمد شجاعی قدس سره الشریف ، چون عضوی از منظومه خورشیدی عالمان، در همان آغاز طفولیت، آثار استادی و فرزاندگی بر چهره داشت و چشم های باطن بین را به فردایی درخشنده در عرصه ایمان و اجتهاد و مجاهده نوید می داد.

تحصیلات ابتدایی را در زادگاه به سرانجام رساند و پس از آن بی درنگ، به سال ۱۳۳۱ هجری شمسی، راه اکتساب علوم آل محمد (ص) را، در حوزه علمیه ی زنجان در پیش گرفت. مقدمات حوزوی و نیز ... در همان جا آموخت و از لمعات آن، توشه های نور بر گرفت و برای شناخت قوانین اصول فقه، کتاب قوانین در اصول را آموخت و سپس آموختن منظومتین مرحوم سبزواری را بابتی برای ورود به کهکشان زیبای حکمت الهی قرار داد. حضرت استاد آیت الله محمد شجاعی به سال ۱۳۳۵ هجری شمسی، از گوشه های حجرات حوزه علمیه زنجان، به سرزمین دانش و تقوا، قم، هجرت کردند، سرزمینی که آشنایی با بزرگان عرصه علم و اجتهاد و فلسفه و عرفان و استفاده از آنان از مهم ترین برکات آن بود. در همان جا رسایل آموخت و رسالت علم اندوزی را به کمال رساند. و مکاسب فرا گرفت و تقوا و دانش کسب کرد و کفایه را در خود به کفایت به اندکی از زندگی دینا بدل ساخت. آنگاه از دروازه های متون نوشته شده خارج گردید و خود را به باب شهر درس خارج از اصول فقه فقهی اصولی و عارفی فیلسوف حضرت امام خمینی (ره)، رساند تا او را به اصولی ترین مبانی علم اصول فقه رهنمون گرداند و هم فروع را نزد وی روشن و آشکار سازد.

همزمان، تلمذ در محضر فقهی حضرت آیت الله العظمی محقق داماد (ره) و شرکت در درس خارج فقه ایشان، راه استنباط احکام شرعی و اجتهاد را برای او هموار نمود. علاوه بر این بهره های مقطعی ایشان از درس های خارج فقه و اصول برخی از آیات عظام چون ابرهای عابر بهاری او را نه سیراب، بلکه غرق در فراوانی فهم نمود. اما بهره هایی که از مائده آسمانی حضرت علامه طباطبایی (ره) برگرفت، غذای روح سالیان او را رغم زد و او را به شاگرد ممتاز و مخصوص علامه ی طباطبایی(ره) بدل ساخت. آموختن فلسفه، شفا یافتن از حکمت الهی سینوی در درس شفا و سفر از خویش به خدا، همراه با خلق، در درس اسفار صدرا با حضور در کلاس های درس عمومی، و بهره مندی از خلوت آکنده از اسرار درس های خصوصی حضرت علامه (ره) گوشه هایی از این خوشه چینی معنوی از بوستان علم و حکمت بود.

ارتباط علمی و معنوی تنگاتنگ میان استادی علامه و شاگردی عالم، او را در شمار نزدیکان حضرت علامه طباطبایی در آورده بود، تا آنجا که همه رساله های دست نویس علامه را که مزین به دست خط نورانی ایشان بود و استنساخ آنها را به بعضی از شاگردانشان اجازه می دادند، استنساخ نمود و این افتخار را هم نصیب خود داشت.

حضرت استاد آیت الله شجاعی نیز در زمره پارسایانی بود که فقر شدید دوران جوانی نه تنها مخل علم آموزی و تهذیب او نگردید، بلکه اراده او را در طی طریق تقوی و دانش صد چندان نمود. او، که گاه از شدت فقر، استطاعت خرید حتی یک قرص نان سنگگ ۴ ریالی را هم نداشت و سه سال تمام در نهایت فقر، از نان سیر نگشت، با تمامی این مشقات لحظه ای از آموختن نیاسود.

این عالم فرزانه از زمره اوتادی است که به عینه علم را با عمل و جهاد را با اجتهاد درآمیخت. او که فضای فاسد رژیم ستم شاهی را مملو مبنای شریعت و معاند با احکام نورانی اسلام می دید، بر اساس آنچه از تفکر ناب محمدی (ص) حضرت امام (ره) آموخته بود، در اوج خفقان رژیم طاغوت، در خلال مباحث اخلاقی و دینی خود به طرح اعتراضات سیاسی نیز می پرداخت و به همین دلیل توسط ساواک زنجان مکرراً مورد مواخذه و سوال و جواب و تهدید قرار می گرفت ولیکن به کار خود ادامه می داد. تا اینکه در سال ۱۳۵۱ هجری شمسی توسط مامورانی که از ساواک تهران آمده بودند با کمک ساواک زنجان دستگیر و دو شبانه روز به دست ماموران اعزامی از تهران در شهربانی زنجان مورد آزار و شکنجه بسیار سخت قرار گرفت و سپس، بعد از دو روز، به ساواک تهران منتقل گردید و دو ماه در کمیته ضد خرابکاری که کمیته مشترک ساواک و شهربانی بود به جهت فعالیت های گوناگون علیه رژیم، به صورت شدید و خطرناکی آزار و شکنجه شد.

او در این ایام مصداق آیه کریمه « و اودوا فی سبیلی ... » بود.

بعد از قریب به 1 سال دیگر در زندان قصر تحت مراقبت شدید زندانی بود و تنها با توکل کامل به خدای متعال و انقطاع از ما سوی ا و توسل به حضرات معصومین سلام ا علیهم اجمعین خصوصاً در آویختن دامان حضرت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا، صلوات ا و سلامه علیه، توانست از مهلکه رژیم طاغوت جان به سلامت به در برد و سایه پر بار خود را بر سر مشتاقان توحید و حکمت و تهذیب حفظ نماید. ادامه راه جهاد و اجتهاد و دغدغه اصلاح جامعه، بعد از مدتی مجدداً به سال ۱۳۵۴ او را در چنگال خون آلود ساواک انداخت و بار دیگر در زندان اوین فصلی از شکنجه های طاغوت فرسا را بر جسم مهذب او روا داشت. اما پس از چند ماه باز با عنایات خاصه ربوبی و توجهات مخصوص حضرات معصومین صلوات ا علیهم اجمعین از زندان رژیم آزاد گردید.

با به ثمر نشستن نهال انقلاب اسلامی ایران، حضرت استاد، که عرصه سیاست هم برای او میدان عبودیت و بندگی خدا و خدمت به خلق بود، نمایندگی مردم زنجان را با اصرار زیاد خود مردم آن دیار در دوره اول مجلس شورای اسلامی پذیرفتند، اما چندی نگذشت که به دلیل شدت کسالات به جا مانده از دوران زندان، از این سمت استعفا نموده و از آن پس، با اقامت در تهران، با تشکیل جلسات درس و بحث در باب تزکیه و خودسازی، تفسیر و معارف قرآنی دیگر، راه را بر جویندگانی بسیار، هموار ساختند.

جلسات عمومی و خصوصی درسها و مباحث عرفانی، تفسیری و معارفی استاد در دو دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی در زنجان و سه دهه ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ شمسی در تهران بی شک گواراترین سرچشمه های زلال حکمت و عمل را در کام طالبین جویندگان معرفت روا داشته است که ثمره آن شاگردان و بهره مندان زیاد از این محافل است.

ابداعات و ابتکارات زیبا و موثر عرفانی و معارفی همراه با استدلالات و براهین قوی و تحلیل های

مخصوص در استفاده از آیات قرآن کریم و روایات و ادعیه معصومین، سلام الله علیهم اجمعین، در مباحث خودسازی و تزکیه النفس، تفسیر و معارف حق الهیه، شیوه منحصر به فرد این استاد عالیقدر است.

آنچه در شرح زندگانی ایشان نباید مغفول بماند، این است که ایشان نیز درست مانند استاد خود، حضرت علامه طباطبایی، در تمام پیشرفت های علمی و عرفانی، خود را مرهون فداکاری ها و زحمات همسر فداکار خود می دانند و وجود چنین همسری را از تفضلات حضرت حق برمی شمردند.

حاصل عمر با برکت ایشان در عرصه علم و عمل تاکنون آثار ارزشمندی را به جا نهاده که این گنجینه گرانبها شامل آثار زیر است:

۱- مقالات، سه جلد، چاپ از انتشارات سروش

۲- معاد یا بازگشت به سوی خدا، دو جلد، چاپ شرکت انتشار

۳- انسان و خلافت الهی، یک جلد

۴- اسماء حسنی، یک جلد، چاپ از انتشارات سروش

۵- پنج رساله، یک جلد، چاپ از مرکز مطالعات بنیادین خاورمیانه

۶- بقیه الله، یک جلد، انتشارات سروش

۷- ضیافت حقیقی، انتشارات سروش

۸- چراغ هدایت، انتشارات سروش

۹- رسالهٔ محبت، انتشارات سروش

۱۰- کیمیای وصال، انتشارات سروش

۱۱- خواب و نشان های آن، یک جلد، انتشارات اندیشه جوان

۱۲- بازگشت به هستی، یک جلد، انتشارات اندیشه جوان

۱۳- عروج روح، یک جلد، انتشارات اندیشه جوان

۱۴- قیام قیامت، یک جلد، انتشارات اندیشه جوان

۱۵- مواقف حشر، یک جلد، انتشارات اندیشه جوان

۱۶- تجسم عمل و شفاعت، یک جلد، انتشارات اندیشه جوان

۱۷- مرگ تا قیامت، یک جلد، انتشارات اندیشه جوان

۱۸- ملائکه، یک جلد

۱۹- دروس تزکیه در چند جلد

۲۰- گنجینه هایی از معارف که به چاپ خواهد رسید.

و نهایتاً روح پر فتوح حضرت استاد در ۱۶ ربیع الاول ۱۴۳۷ برابر با ۷ دی 1394 هـ ش از عالم سفلی به ملکوت اعلی می پیوندد.